**٢٢ - مقام علم مظاهر الهیّه**

 و از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است قوله العزیز حقائق مقدسه مظاهر کلیّه الهیّه چون محیط بر کائنات من حیث الذات و الصفات اند و فائق و واجد حقائق موجوده و متحقق بجمیع اشیاء لهذا علم آنان علم الهی است نه اکتسابی یعنی فیض قدسی است و انکشاف رحمانی ... لهذا شرایعی تأسیس نمایند که مطابق و موافق حال عالم انسانی است زیرا شریعت روابط ضروریه است که منعبث از حقائق کائنات است ... انبیاء الهی مظاهر کلیّة اطباء حاذق اند و عالم امکان مانند هیکل بشری و شرایع الهیه دوا و علاج پس طبیب باید که مطلع و واقف بر جمیع اعضاء و اجزاء و طبیعت و احوال مریض باشد ... فی الحقیقه حکیم دوا را از نفس امراض عارضه بر مریض استنباط کند ... پس شریعت روابط ضروریه است که منبعث از حقیقت کائنات است و مظاهر کلیّه الهیّه چون مطلع بر اسرار کائنات اند لهذا واقف بآن روابط ضروریه و آن را شریعة‌الله قرار دهند و قوله العزیز جواب پرسش ثانی پس بدان که پیغمبران را از کتب و صحف مقصود معانی است نه الفاظ و مراد حقیقت است نه مجاز ماده است نه صورت گوهر است نه صدف آن حقیقت معانی کلیه که رهبر پیغمبران است یکی است و آن دستور العمل کل لهذا فی الحقیقة هر پیغمبری بر اسرار جمیع پیغمبران مطلع ولو بظاهر کتاب او را ندیده و سخن او را نشنیده و آئین جسمانی او را نسنجیده زیرا روش و سلوک و اسرار و حقائق و آئین روحانی بکلی یکی است .